



پاینده ایران

پیام پندار

بمناسبت فرا رسیدن جشن بنیاد

ناسیونالیسم چپ و راست ندارد
و جز یک راه واحد و مشخص
تاریخی بیشتر نمیشناسد

۱۳۳۵/۶/۲

خطر همینجاست

و کار اساسی از این پس آغاز میگردد

پاینده ایران

یاران وفادار

سربازان جانباز رستاخیز تاریخی ملت ایران

اکنون جنبش بزرگ و تاریخی ما در آستانه دهمین سال کوششهای تمر بخش خود قرار گرفته است ، همچنانکه امروز بدنبال رزم و جهادی که پشت سرگذارده ایم بر نتایج ارزنده تکیه داریم و با افتخار برحاصل این کوششهای زمان گذشته مینگریم ، از سوی دیگر در ابتدا و آغاز تلاش بسیار و برنامه مبارزاتی دشواری قرار داریم که آینده ما را خواهد ساخت .

همچنانکه بکرات در پیامهای خود متذکر گردیده ام نبرد ما محدود و محصور در زمان معین نمیگردد و بدانسان که در جشن پنجمین سال تأسیس مکتب که اولین اجتماع آشکار و پرشکوهی بود که بدین مناسبت برپا گردید ، یاد آور شدم ، مبارزات تمر بخش و کوششهای پیروان نهضت را نمیتوانستیم با آن پنج سالی که جشن آغازش را برپا داشته بودیم محدود و محصور سازیم ، بلکه سالهای دیگر نیز اوقاتی بودند که با کوشش بسیار پایه های اولیه و ریشه های نخستین نهضت در آن ایام استوار گردید و آبیاری شد .

بدیهی است رستاخیز ناسیونالیسم ایران نه تنها از عمر کوششهای مردانه ما بلکه از زمان حیات ما و از عمر نسل ما نیز ریشه هائی کهن تر و عمیق تر دارد . ریشه های این نهضت از اعماق تاریخ ملت مامایه میگردد و بمانند هر جنبش ناسیونالیستی دوشا دوش تاریخ کهن ملت ما در اعماق زمان گذشته و حیات طی شده ملت ایران اساس و مبنایش را باید جستجو کرد .

چه بسا رادمردانی که پیش از ما در راه پرفروز این نهضت تاریخی سرباخته و جان داده اند ، چه بسیار کسانی که در دهها سال پیش به پیروی از ندای خون و نیاز تاریخ ملت ایران دلیرانه کوشیده اند ولی نامی و نشانی از آنها نیست .

این بررسی مختصر بدان جهت بود که همه آن زنان و مردان آزاده که در این راه کوشش و مجاهدت دارند دریابند :

نهضتی که اکنون درفش پرشکوهش را ما بردوش میکشیم حیاتی بی پایان و زندگی بس درازتر و جاودانی تر از زندگی ما و نسل ما دارد .

ما حق نداریم که در راه وصول بهدفعهای چنین رستاخیز تاریخی روشهایی را اتخاذ کنیم که در چهار چوب کوچک و محدود حیات ما میتواند موجودیت و ارزش پیدا کند .

در این صورت تقدس و اصالت نهضت رعایت نگردیده است و چنین کسانی هرگز نمیتوانند مدعی باشند که در راه ناسیونالیسم ملت خود گام برداشته اند در این ۹ سالی که پشت سر خود گذارده ایم حوادث بسیار و گاهی حوادثی بس اندوهبار بر ما گذشت . بسیاری از اوقات کسانی میخواستند که ما بیجان و بررسی علل و موجبات بروز این حوادث بپردازیم . ما هیچگاه انگشت بروی بعضی علل و یا موجبات سطحی نگذارده ایم ، ما خواسته ایم آنکس که با ما طی طریق میکند خود علت اساسی و واقعی این حوادث را دریابد .

بی شک هر فرد آرمانخواه با اندک تعمقی واقف می گردد که علت اساسی این حوادث ناگوار که چون کوره های آزمایشی برای وفادارترین پویندگان راه ناسیونالیسم ایران بوده است عدم درک موجودیت واقعی و شرایط حیاتی رستاخیز ناسیونالیستی ایران توسط کسانی بوده است که هرگز نمیتوانستند پویندگان ثابت قدم این راه باشند .

دران شامگاه پانزدهم شهریور ۱۳۲۶ که ظلمت و سیاهی سرتاسر وطن ما را فرا گرفته بود ، بدنبال سالها کار و کوشش ، آنها که اساس مکتب را استوار ساختند جز این نمیاندیشیدند که در راه پرفروز تاریخ ایران که از اعماق زمان گذشته ریشه میگرفت و بسوی بلندیهای تاریخ آینده کشانده شده است طی طریق کنند .

این اندیشه و یا این ایمان و اعتقاد جازم برای سالهای آینده نیز بطور انحراف ناپذیر محور همه کوششها و فعالیتها ما بوده است .

سرسختی و پافشاری در تبعیت از این اصل و مدافعه از این پرنسیب مبارزاتی اغلب منشاء و علت اساسی بروز حوادثی گردید که بصورت ظاهر در تاریخ نهضت حوادث ناگوار و لطمه آور تلقی میگردد اما همچنانکه همیشه یاد آور شده ام برای یک نهضت و جنبش تاریخی پیروزی تنها در پناه حفظ اصول و ادامه حیات روح آن نهضت امکان دارد .

ما نیامده ایم بدنبال خواسته های این و آن اصول و مبانی نهضت را دستخوش هوی و هوس کنیم بدین امید که گروهی متزلزل و سست عهد همچنان یار و همراه ما باشند زیرا در این صورت حقیقت امر اینست که آنها همراه ما باقی نمانده اند بلکه این ما هستیم که راه و روش خود را ترک گفته و بدنبال هوسهای متغیر و خواستههای خود سرانه آنها بحرکت آمده ایم .

افتخار ما اینست که در سرتاسر این تاریخ پرفراز و نشیب مبارزات خود ، همیشه سرسخت و استوار بوده ایم .

ما بخوبی مسئولیت تاریخی و وظایف سنگین اجتماعی را که از جهت رهبری و هدایت ناسیونالیسم ایران بعهده داشته ایم درک نموده ایم ، اکنون نیز مسئولیتهای سنگین تر و وظائفی خطیر تر بعهده ما است .

آنچه من از دوستان خود میخواهم این است که این وظایف و مسئولیتها را هرچه بهتر بشناسند ، بدانند که نقطه انحراف ویا اصالت مشی تاریخ ایران در آن چهارراهی است که آنها رهنما وهادیش میباشند .

دوستان من : شما با دستهای توانای خود هدف های تاریخی را که بر فراز بلندیها قرار دارند نشان میدهید . لیکن انبوهی بسیار در این مرکز تقاطع راهها ، یا جماعت را بر است ویا بچپ میخوانند وچه خسران آور است کار آن کسانی که این گرایش بر است ویا چپ روی را در پناه عناوین زیبا و فریبنده شعارهای ناسیونالیستی پنهان میکنند ، اینها همان کمونیستها ، همان سوسیالیستها ، همان لبرالیستها ، وهمان محافظه کارهای دیروز هستند که امروز بدین نقاب خود را آراسته کرده اند .

اینها ۹ سال پیش کجا بودند ؟ چرا آنروز در برابر یورش نابکارانه اجنبی پرستان سکوت کرده بودند ؟ چگونه در آنروزها بسیاری از آنان خود از مدیحه سرایان اعمال نابکارانه وخیانت آمیز کمونیستها وپیشه وری و خاننین دیگر بودند ؟

آنها ۹ سال پیش چرا نه تنها با جنبش نسل جوان که آغاز کننده وادامه دهنده اش ما بودیم کوچکترین همکاری وهم آهنگی نداشتند بلکه آشکارا ویا پنهانی در صفهای مقابل قرار گرفته برضد رزم ایزدی ما میجنگیدند ؟ حال که پس از ۹ سال کوشش ومجاهدت ناسیونالیسم ایران راه خود را برغم همه این مشکلات باز کرده است ما در اطراف خود ژاژ خواهان ومدعیان بسیار میبینیم .

یاران من : موضوع این نیست که ما بخوایم خود را صاحب همه افتخارات بدانیم ویا در تقسیم افتخارات ، خود را بیش از دیگران سهمیم بشناسیم ، زیرا ایمان و اعتقاد ما بر این است که هنوز در برابر وظایف بزرگی که بعهده است کاری انجام نگر دیده و گذشته از این آنچه کرده ایم وظایفی بوده که انجام داده ایم .

ما برای خوش آمد کسی هیچگاه قدمی برنداشته ایم که حال این خوش آمد گونی را از آنان خواستار باشیم .

آنچه کرده ایم و آن راهی را که پشت سر گذارده ایم بفرمان تاریخ ایران و به تبعیت از جوشش خون زنده وجانانداری بوده است که در رگها وشراین ما دور میزند . ونیز اطمینان دارم که صفحات پرافتخار گذشته در برابر پایمردیها وكوششها وافتخارات بزرگ آینده بسی کوچک وناچیز خواهد بود من بخوبی میدانم که در این راه یاران ما یکه تاز این میدان اشتیاق وجانبازی هستند .

افتخارات در این رزم بزرگ برپیشانی بلندیهای تاریخ نقش بسته است. بمن بگویند چه کسانی جز ما این پاهای بلند و نیروی شکست ناپذیر و ایمان شگرف و یاری دهنده را دارند که بتوانند بر این افتخارات بلندیهای تاریخ دسترسی یابند؟

پس نه سخن در تقسیم افتخارات است و نه بیم از همسنگی و باصطلاح رقابت دیگران.

آنچه که موجب میشود در این موقعیت باین مدعیان خود کامه بیشتر توجه کنیم لطماتی است که کوششهای اهریمنی آنان در زمینه مساعد روحیه ناسیونالیستی جامعه ایرانی ببار خواهد آورد.

۹ سال پیش بفرمان تاریخ در چنین روزی اساس مکتب ناسیونالیسم ایران در

زمینه کوششهای اجتماعی استوار گردید. در طی سالهای گذشته برای مانوس ساختن مردم ایران زمین بناسیونالیسم ایران و یگانه تظاهر آن پان ایرانیسم کوششهای بسیار موفقیت آمیزی انجام گرفت. نه سال پیش هر کس که میخواست به تلاش اجتماعی دست یازد جز با زبان سوسیالیستها سخن نمیگفت.

الفبای کوششهای اجتماع در آن روز و سالهای بعد همان بود که حزب اجنبی پرست توده داده بود، از پشت تریبون پارلمان گرفته تا پشت کرسیهای دانشگاه، از کار گاههای کارخانه ها گرفته تا دامنه کشتزارها همه جا موافق و مخالف جز با زبان دشمنان ایران سخن نمیگفتند. در چنان موقعیتی ما صبورانه قدم برداشتیم و بنام ناسیونالیسم ایران با صدای بلند فرامین قاطع تاریخ این سرزمین را بیان داشتیم.

رزمی بزرگ و دامنه دار آغاز گردید، رزمی که در یکسویش تعداد معدود آغاز کنندگان این راه بود و در صف مقابل همه سازمانها و احزاب و تشکیلات موجود.

حال خود به پشت سر نگاه کنید، همانطور که دیروز در آن صف عظیم مخالف اهریمنی بودند و آشکارا بما میخواستند و اکنون مدعیان ناسیونالیسم نما گردیده اند در نظر آورید تا بدیند در این ۹ سال چه کاری صورت گرفته است.

خطر همین جا است و کار اساسی از این پس آغاز میگردد. اکنون یکبار دیگر باید بپا خاست، ما در آستانه دهمین سال حیات جنبش در آستانه دومین مرحله اساسی تاریخ مبارزات خود قرار داریم.

امروز باید راه واقعی و یکتای ناسیونالیسم ایران را بشفیتگان و مشتاقان این فکر شناساند، اینان همانها هستند که کوششهای گذشته ما آتش اشتیاق را در دلهایشان روشن کرده است. حال نباید گذارد این همه اشتیاق و آرزو و امید آنان منحرف گردد و بیهوده بکار رود.

ناسیونالیسم چپ و راست ندارد و جز یک راه واحد و مشخص تاریخی بیشتر نمی شناسد .

ناسیونالیسم از زبان کسانی که بنا باقتضای زمان و موجبات وقت ، خود را نادم و پشیمان از تباہکاریهای گذشته معرفی میکنند ، شناخته نمیگردد ، ناسیونالیسم نمیتواند براسست گرایشی داشته باشد و پیرشانه ان قشرهای فاسدی تکیه کند که خود موجب سیه روزی و بدبختی و تباہی زندگی ملت ایران گردیده اند .

ناسیونالیسم چپ روی نیز ندارد و این حقیقت و واقعیاتی بود که در شرائط سهمگین مبارزات نهضت ملی بکرات ما بیان داشتیم و گونی مسئولین امر نمیخواستند و یا نمیتوانستند بآن توجه کنند ، عاقبت نیز همه بلیات و نتایج شوم این انحرافات و خودسریها گریبان گیر ملت ایران شد .

اکنون تنها سنگری که مسیر تاریخی ناسیونالیسم را میشناسد همان سنگری است که سالهای متمادیست پس از آغاز این رزم همچنان استوار و تزلزل ناپذیر آنرا دنبال نموده است . نیرومندی و پیروزی کسانم ، که در این سنگر مقیم دارند پیروزی ناسیونالیسم ایران است و بس .

یاران وفادار : بدیهی است این رزم همه جانبه مثل مبارزات گذشته سهمگین و باهیب و بسی دشوار است .

لیکن از سنگینی مبارزه نباید هر اسید و دشواریها هرگز دلهای ما را نمیلرزاند . من ایمان کامل دارم که خداوند بزرگ بما این نیرو و توانایی را ارزانی داشته است که با افتخار و دلیری بسیار راه تاریخ را طی کنیم و هر کژی و تباہی را در این راه از پای درآوریم ، من میدانم که آینده را دستهای توانا و اراده های پولادین ما خواهد ساخت . سازندگان جامعه سر افراز فردا باید که مردان و زنان رزمنده و کوشندگان دلیر انحراف ناپذیر امروز باشند .

من خود باز بشما اعلام میکنم که راهم هرگز منحرف نخواهد شد و کوشش و رزم ترک نمیگردد . من آنقدر توانایی دارم که در صورت لزوم حتی یک تنه در این راه طی طریق کنم و میدانم این اشتیاق آنچنان سراسر وجودم را در خود گرفته است که در مورد لزوم شیرین ترین تمنیات و دلفریب ترین و شاید ارزنده ترین آرزوهای زندگی خود را خاموش و لگد مال کنم . زیرا از روزی که خود را شناختم همه چیز را درپهنه این وظیفه بزرگ تاریخی بررسی میکنم . بنظر من این رزم و این مذهب مقدسی که من بدان سر سپرده هستم خورشید فروزانی است که از قله زندگی من میتابد ، هرچه بتواند تابش این خورشید فروزان را بگیرد برای من روشن و ارزنده است و قطعاً در آنجاست که از نظر من زندگی موج میزند و شور حیات احساس میگردد و هرکجا که این خورشید قله زندگی من میتابد بد آنجا جز تیرگی و ظلمت چیزی نیست .

آیا شما نمیخواهید که این خورشید فروزان بر فراز قله زندگی شما نیز بتابد ؟
اگر چنین است همیشه همراه و همدوش یکدیگر خواهیم بود و برآستی که
تنها آرزویم این است روزی این خورشید بر فراز گاه زندگی همه زنان
و مردان این سرزمین بدرخشد .

آنگاه روزگاری است که مهر و رجاند با غرور و شادی بسیار باز بر سرزمین
اهورا خواهد تابید . آنروز دیگر از سیاهی و ظلمت اثری باز نخواهیم یافت
و سرافرازی و شور زندگی و عزت و شرف همه جا موج میزند و خانواده های
برومند وطن ما در دامن ایرانی بزرگ ، یگانه و نیرومند زندگی خود را
ادامه میدهند . آرزو دارم که روز پرافتخار بنیاد در پناه کوششهای ما
بروزگاری چنان پرافتخار در ایرانزمین بپا گردد .

پاینده ایران

پندار شامگاه ۱۳۳۵/۶/۲